روی میز تحریریه

۱. دیدید برگشتیم؟!

دو ماه پیش، چنان با سوز و گداز خداحافظی کردیم که جگرمان شرحه شرحه شد!
یعنی همچین سوزناکش کردیم که نویسنده‌های خودمان هم پا به پای مخاطبان مجله، پیامک می‌دادند و به ابراز سوز و گداز همراه با کشیدن مو و چنگ زدن صورت مبادرت می‌ورزیدند!
خلاصه، سرتان را درد نیاوریم. هر روز می‌آمدیم توی دفتر مجله و با در و دیوار مجله مراسم جان‌گداز خداحافظی را انجام می‌دادیم که یکهو نمی‌دانیم چی شد که این شد!
یعنی منظورمان این است که تخته شدن‌مان «کأن لم یکن» تلقی شد!
اصلا یه همچین وضعی داریم‌ها!
یکهو می‌آیند به ما می‌گویند: «آقا تخته‌اش کن بره!»، بعدش دوباره یکهو می‌آیند و می‌گویند: «آقا جریان تخته رو کأن لم یکن تلقی کن بره!»
اصلا یه همچین وضعی!

۲. به برکت ماه محرم در خدمتیم

از شوخی و مزاح اگر بگذریم؛ شک نکنید به برکت ماه محرم و عنایت اباعبدالله الحسین است که در خدمت‌تان هستیم. وگرنه واقعا غزل خداحافظی نشریه دیدار خوانده شده بود و جداً مشغول بستن دفتر مجله بودیم. این شماره از مجله اگر به دست تان رسیده یقین بدانید که مرحمت خود امام حسین است.

۳.چاره ای نیست جز گرانی!

یادتان هست که صفحه «خدانگهداری» شماره قبلی، کلی روضه برایتان خواندیم که کاغذ خیلی گران شده و هر یک نسخه از مجله، ۱۵۰۰ تومان پایمان درمی‌آید و نشریات حمایت نمی‌شوند و از این حرف‌ها؟!
حالا چاره‌ای نیست جز این که مجله را کمی (و فقط در حد ۳۰۰ تومان) گران کنیم.
هیچ‌گونه اعتراضی وارد نیست و هرگونه اعتراضی در نطفه خفه می‌شود!

۴. تلاش می کنیم که تلاش هایمان ضایع نشود!

یک قرار و مدارهایی با همکاران مجله گذاشته ایم تا تمام تلاش مان را بکار ببندیم تا واقعا این بار دیگر مجله به موقع دست تان برسد.
تاخیر این ماه را بر ما ببخشید و از ماه بعد اگر مجله در همان هفته اول هر ماه به دست تان نرسید یقه ما را استاد کنید :)

پیغام پسغام

نامه‌ها

۱. خداحافظی تان را باور نمی‌کنم!

«آقا من این ماجرای خداحافظی دیدار آشنا را باور نمیکنم! دوربین مخفیه؟!»

*** دیدار:**
یعنی تا این حد کارهای ما دوربین مخفی بوده برایتان؟! :)
به جان هرچی مرده؛ جریان جدی بود، اما خب در جواب شما فقط می‌توانیم بگوییم: شما به معجزه اعتقاد دارید؟! :)

۲. واااااااااقعاً؟!

«سلام به دیدار آشنا. این چیزهایی که در صفحه خدانگهداری شماره قبلی نوشته بودید واقعی است؟! دستم به نویسنده اش نرسه فقط!»

*** دیدار:**
هرهرهر! می‌دانستیم بالاخره در این گیر و دار تخته شدن یا نشدن نشریه؛ سر این دبیر تحریریه زیر آب می‌رود!
آن مطلب خدانگهداری نوشته دبیرتحریریه مان بود و شما همه روزه می‌توانید برای خالی کردن دق و دلی‌تان حضورا در دفتر نشریه حاضر شده و به بروز احساسات جریحه‌دار شده‌تان بپردازید! :) از دید ما مانعی ندارد!

۳. نکنید از این کارها!

یعنی این نامه هم از آن نامه‌ها بودها! این بنده خدایی که این نامه را برای ما نوشته، بن بست خونسردی بوده!
« عجب! شما هم آره؟! شما هم تعطیل شدید؟! آخی بمیرم! چقدر از این پرونده‌های ویژه داغ کار کردید تا به این روز افتادید!»

دیدار:
قیافه نویسنده صفحه پیغام پسغام، پس از مطالعه این نامه:
/:
جانشین مدیرمسئول :!
دبیر تحریریه :(
خود نامه هه :@
نامه رسان D:

پیامک‌ها

۱. یادتون بخیر!

۰۹۱۲---۱۴۵۲

سلام. خسته نباشید.
باور کنید که باور نمی شود مجله دیدار آشنا تعطیل شود! یاد دیدار آشنا بخیر. سال هاست با این نشریه انس گرفته بودم.

*** دیدار:**
به! دست شما درد نکند واقعا!
اصلا بعضی پیامک‌ها ما را سر ذوق می‌آورد از بس که آتو می‌دهند و پا میدهند برای جواب دادن!
ما هم باورمان نیست که باورتان نباشد که باورتان دیگر باورتاً (!) منتشر نمی‌شود! باااااور کن!
آقا شرمنده جوگیر شدیم بخدا! چند وقتی بود از این جواب‌ها نداده بودیم!

۲. دارید خودتون رو لوس می کنید؟!

۰۹۳۶-۵۸۶۲

آقا جدی جدی یکی از مخاطبان ما که بعضی وقت ها هم یک چیزهایی برای نشریه می‌نوشتند و ما هم چاپ می‌کردیم، برگشته اند و به ما گفته اند که:
« باور کنید این قصه تعطیل شدن دیدار آن هم در آستانه نمایشگاه مطبوعات؛ خیلی بودار بود! حدس می زنم می خواستید جل توجه کنید!!!»

***دیدار:**
سرکار خانم محمدی!
ما الان از دست این تحلیل شما؛ چه شکلی شویم خوب است؟! اینجوری چطور است :/ :/ :/